

فرستی که دولت نباید از دست بدهد

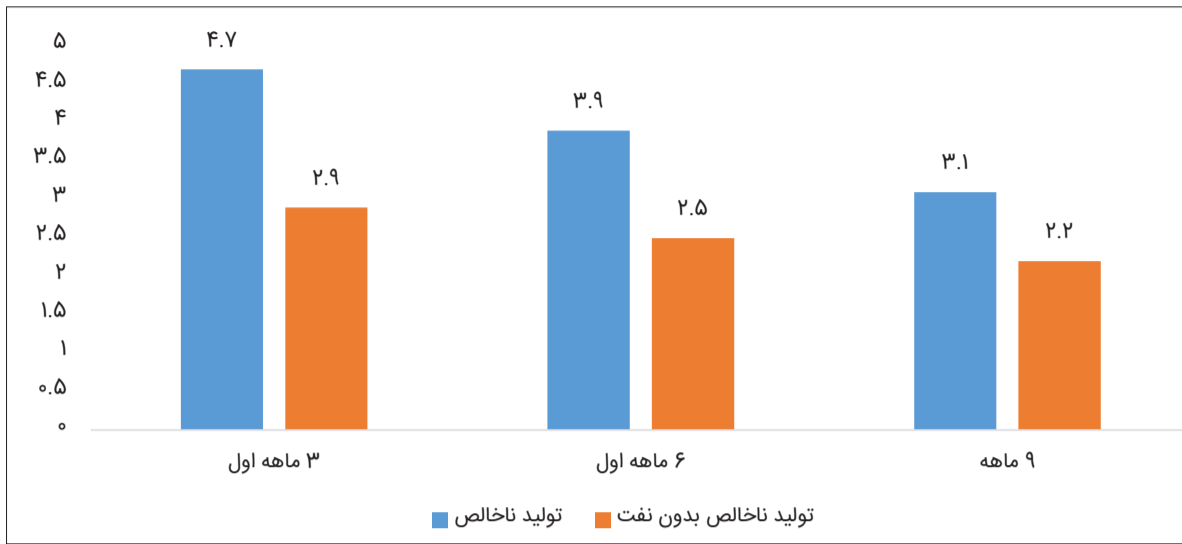


سعید امیریان
کارشناس اقتصاد

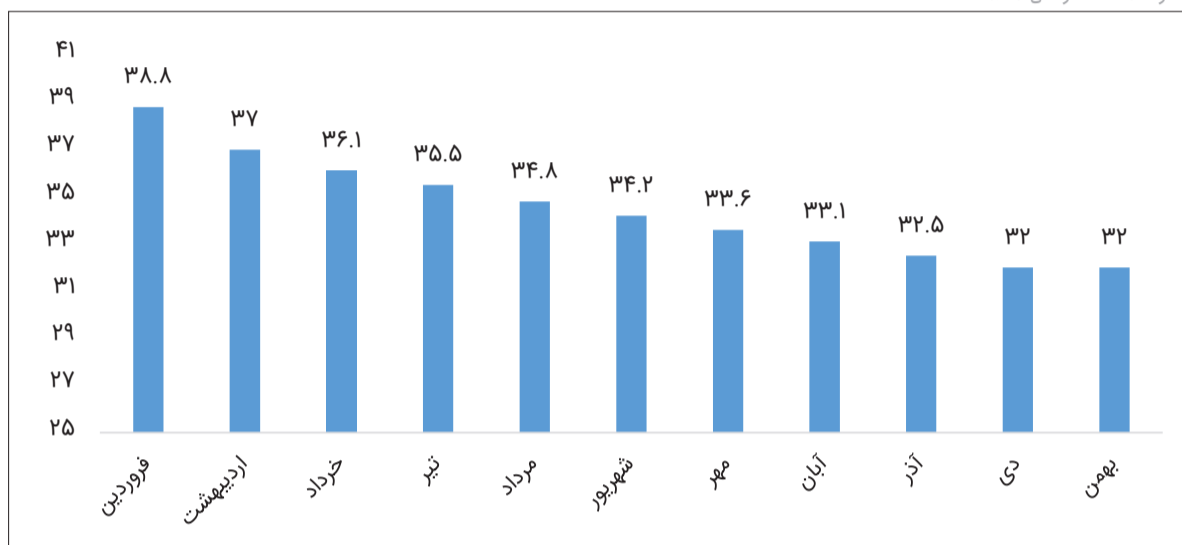
در سال‌های نه‌چندان دور دولت‌ها در ابتدای هر سال تغییرات مدنظر در قیمت کالا و خدمات دولتی را اعمال و معمولاً تا پایان سال با همان قیمت‌ها امور را مدیریت می‌نمودند. بخش خصوصی نیز متناسب با میزان تغییرات دولت (دستمزدها، قیمت انرژی و سایر خدمات دولتی) تغییرات قیمتی لازم را اعمال و معمولاً با توجه به ثبات نسبی شرایط پولی و اقتصادی کشور، تا پایان سال ثبات نسبی برقرار می‌شد. این رویه با ورود شوک‌های ارزی نامتعارف از دهه نود دچار اختلال شده و معمولاً دولت سرمایه اجتماعی لازم برای تغییرات سنواری در ابتدای هر سال را نداشته و یا تحت تأثیر سیاست‌های عوامگرایی این تغییرات را به تأخیر انداخته و آنگاه که عرصه بر دولت در تأمین مابه‌التفاوت قیمت کالاها و خدمات نسبت به قیمت تمام شده آنها تنگ شده، دست به تعدیلات ناگهانی و تحمیل شوک‌های چندصددرصدی به مردم و اقتصاد زده و این اقدامات - گاهی ناخردانه و گاهی از روی ناچاری - زمینه اعتراضات و بحران‌های اجتماعی را فراهم نموده است که از جمله می‌توان به سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ اشاره نمود. بنابراین لازم است تحت هر شرایطی دولت به‌صورت سالیانه حتی اگر امکان تخلیه کل تفاوت قیمت کالا و خدمات دولتی نسبت به قیمت تمام شده آن را ندارد، بخشی از آن را تخلیه نماید تا از یک‌سوم مانع انباشت بدهی‌های دولت و تشدید کسری بودجه گردد و از سوی دیگر از بروز بحران در سال یا سال‌های آتی ناشی از تعدیلات شدید قیمت‌ها جلوگیری کند.

در این چارچوب آنچه اکنون در عرصه سیاسی و اقتصادی کشور ملاحظه می‌گردد این است که فشار ناشی از رشد نامتعارف نرخ ارز و قیمت برخی کالاهای مصرفی طی ماه‌های اخیر - که در اثر شتاب برخی مقامات در دست‌کاری زود هنگام ارز نیامی از یک‌سو و بازگشت ترامپ به عرصه قدرت از سوی دیگر بوده است - دولت محترم از برنامه خود برای تعدیلات لازم در قیمت کالا و خدمات دولتی در ابتدای سال ۱۴۰۴ منصرف شده و قصد دارد همچنان ارز کالاهای اساسی را با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان تأمین نماید و برنامه‌ای نیز برای تغییر قیمت حامل‌های انرژی از جمله بنزین و گازوئیل ارائه ندهد. این حالت یک وضعیت انفعالی است و تحت‌فشارهای خارجی و داخلی اتخاذ شده است. این امر به همان اندازه که در کوتاه‌مدت ممکن است باعث ثبات نسبی شود، فضا را برای ورود شوک‌های قیمتی در آینده فراهم خواهد کرد. این در حالی است که محاسبات مربوط به منابع بودجه عمومی بر اساس نرخ ارز ۲۸۰۰۰ تومان برای کالاهای اساسی و همچنین تعدیلاتی در نرخ حامل‌های انرژی پیرامون ۲۸۵۰۰ و طبیعتاً اگر همچنان کالاهای اساسی با دلار ۲۸۵۰۰ تومان تأمین گردد و قیمت حامل‌های انرژی تعدیل نگردد بخش قابل توجهی از منابع بودجه عمومی و منابع قانون هدفمندی یارانه‌ها تأمین نخواهد شد و کسری بودجه ناشی از آن می‌تواند با فشار مضاعف بر رشد پایه پولی و نقدینگی موجبات تورم بیشتر را فراهم نماید. تورم نیز تفاوت بین قیمت تمام شده و قیمت دولتی را بیشتر نموده و آتش تهیه شوک بزرگ در آینده را فراهم خواهد کرد. سختی اداره کشور در سال آتی شاید با بیان چند عدد در خصوص منابع بودجه عمومی روشن‌تر گردد. مطابق قانون ابلاغ شده ۷۵۰ همت از منابع بودجه عمومی از طریق استقراض و به بیان دقیق‌تر از طریق انتشار اوراق قرضه باید تأمین گردد. این بدان معنی است که بودجه عمومی کشور در سال آتی ۷۵۰ همت کسری آشکار دارد (۱۵ درصد). علاوه بر این پیش‌بینی شده است که ۱۰۸۰ همت (۲۲ درصد) از منابع بودجه عمومی (نیز از محل صادرات نفت به بودجه تزریق گردد) (نیمی به صورت درآمد حاصل از صادرات نفت و نیمی از محل کاهش سهم صندوق توسعه ملی از نفت) که با توجه به شرایط بین‌المللی تأمین این حجم از منابع نفتی با عدم اطمینان‌های جدی همراه است و به احتمال زیاد با عدم تحقق عمده مواجهه و باعث تشدید کسری بودجه خواهد شد.

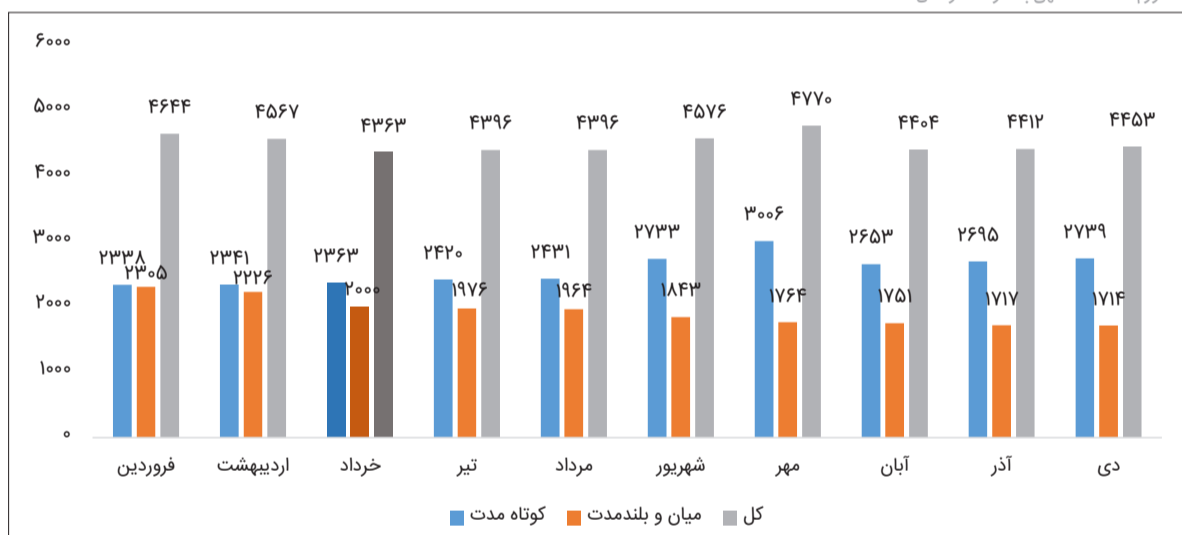
به نظر می‌رسد مردم که به‌صورت آگاهانه و با درک شرایط خارجی و داخلی به آقای دکتر پزشکیان رأی اعتماد داده‌اند پذیرش لازم برای تعدیلات تدریجی ابتدای هر سال را دارند و می‌دانند این تعدیلات هرچند کوچک به بهبود شرایط کشور از جمله در جلوگیری از کسری بودجه فرآینده و ثبات بلندمدت کشور کمک کننده خواهد بود. بنابراین توصیه جدی این است که دولت از این فرصت صرف‌نظر ننموده و برنامه تعدیلات تدریجی ابتدای سال را در دستور کار خود قرار دهد. سقف این تعدیلات می‌تواند در حدود افزایش حقوق کارکنان دولتی و غیردولتی در نظر گرفته شود.



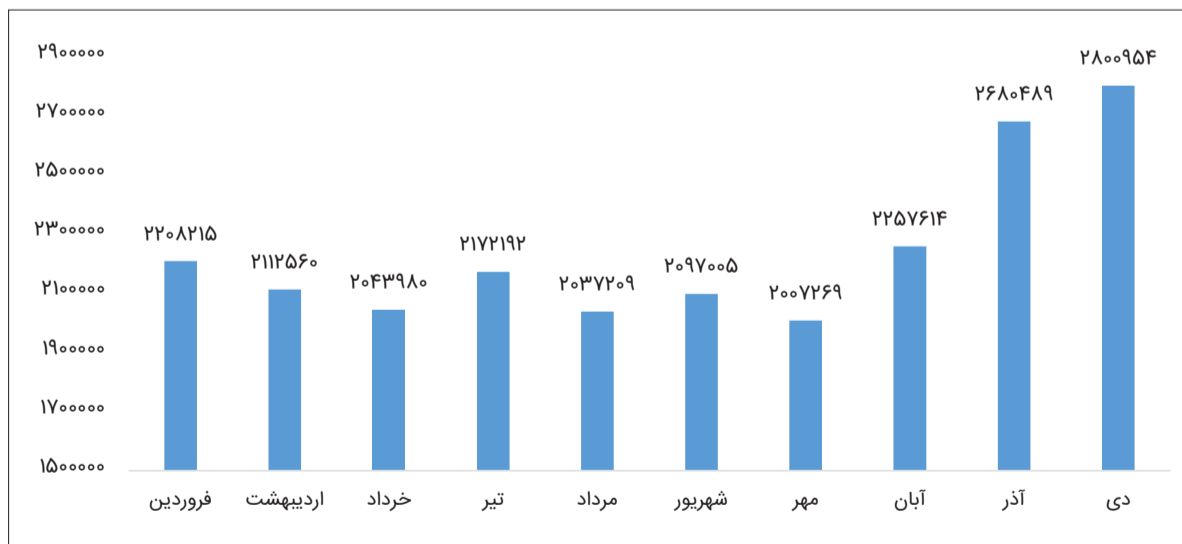
رشد اقتصاد در سال ۱۴۰۳



تورم ۱۲ ماهه منتهی به هرماه در سال ۱۴۰۳



بدهی خارجی دولت - دلار



شاخص کل بورس - واحد

ماه	تورم ماهانه	تورم نقطه به نقطه	تورم سالانه
فروردین	۲.۶	۳۰.۹	۳۸.۸
اردیبهشت	۲.۸	۳۱	۳۷
خرداد	۲.۸	۳۱.۹	۳۶.۱
تیر	۲.۲	۳۲.۲	۳۵.۵
مرداد	۲	۳۱.۶	۳۴.۸
شهریور	۱.۷	۳۱.۲	۳۴.۲
مهر	۲.۷	۳۱.۶	۳۳.۶
آبان	۲.۸	۳۲.۵	۳۳.۱
آذر	۲	۳۱.۴	۳۲.۵
دی	۲.۹	۳۱.۸	۳۲
بهمن	۳.۱	۳۵.۳	۳۲

می‌کردند و به این ترتیب رکورد زود هنگام‌ترین استیضاح هم شکسته شد و نام همتی از لیست اعضای دولت بیرون کشیده شد.

زبان صنایع از قطعی برق و گاز هفت برابر شد

قابل پیش‌بینی بود که دولت جدید باید با ناترازی‌های شدیدی در بخش‌های مختلف دست و پنجه نرم کند. ولی شاید دولت چهاردهم از عمق بحران تصور دقیقی نداشت که قبول مسئولیت کرد. در نشست صمیمانه با برخی مسئولان دولت پزشکیان، از خالی شدن ذخایر گاز نیروگاه‌ها در تابستان شنیدیم. مسئولان دولت چهاردهم، فکر نمی‌کردند در چند ماهی که از حادثه بالگرد رئیس‌جمهور فقید می‌گذرد، مقامات انرژی دولت سیزدهم، ذخایر سوخت نیروگاه‌ها را برای زمستان خالی کنند تا دولت چهاردهم تاگزیر باشد ناترازی برق در زمستان را هم به ناترازی گاز اضافه و خاموشی‌ها و تعطیلی‌ها را در زمستان برنامه‌ریزی کند. میزان برق تحویلی به صنایع در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل، ۴۰ درصد کاهش پیدا کرد و تعطیلی‌ها خسارت زیادی به بار آورد؛ به طوری که عدم‌النتفع صنایع مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی ناشی از قطعی برق از ۵/۴ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۴۴/۷ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ رسید؛ یعنی هفت برابر شدن زبان.

اشاره یکی از مسئولان به جلسات هیئت دولت که در هر جلسه، درگیری وزیر صمت و نیرو دربار تأمین برق صنایع با پادرمیانی مسعود پزشکیان به پایان می‌رسد هم به بحرانی موازی با مشکلات فوق تبدیل شد. این بحران مربوط به تفاهمی بین وزارت صمت و نیرو در دولت سیزدهم است که صنایع را موظف می‌کند برای تأمین برق خود نیروگاه احداث کنند. با استناد به این تفاهم‌نامه، امروز وزارت نیرو می‌گوید مسئولیتی برای تأمین برق صنایع ندارد و در عین حال برقی که توسط نیروگاه‌های برخی از صنایع تولید می‌شود را به جای تخصیص به خودشان، وارد شبکه سراسری می‌کنند تا برق خانگی کمتر قطع شود. امروز همین تفاهم محل منازعه دو وزیر صمت و نیرو شده و جلسات هیئت دولت محل این منازعه.

بحران ۴۴۰ هزار میلیارد تومانی

در سالی که پزیدنت پزشکیان درگیر حل بحران ناترازی بود، همزمان باید بحران ۴۴۰ هزار میلیارد تومانی صندوق‌های بازنشستگی را هم مدیریت می‌کرد. مدیریت صندوق‌ها در سال‌های قبل به قدری غیراصولی و خارج از قاعده بوده که امروز آنها را به ورشکستگی کشانده و به یک ابربحران برای دولت تبدیل کرده. اگر پزشکیان امسال با اوراق بدهی و هزار ترفند دیگر کمبود ۴۴۰ هزار میلیارد تومانی صندوق‌ها را تأمین کرد اما سال بعد این کمبود به ۷۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده که در میانه تهدیدهای ترامپ برای صفر کردن صادرات نفت ایران، معلوم نیست چگونه قرار است، تأمین شود. وقتی بزرگی این کسری که تبدیل به تکلیف دولت شده، مشخص می‌شود که کسری صندوق‌های بازنشستگی را با کل بودجه عمومی مقایسه کنیم. کسری صندوق‌های بازنشستگی در سال آینده معادل ۱۷ درصد از مصارف عمومی دولت است. سال بعد صندوق بازنشستگی ۳۹۳ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح ۱۷۹ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان، صندوق فولاد ۱۶ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان و صندوق وزارت اطلاعات ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان کسری دارند که باید دولت آن را تأمین کند.

کسری بودجه که به‌عنوان یکی از علت‌های مهم تورم از آن یاد می‌شود هم رقم قابل توجه حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی است. بودجه سال بعد هم ۱۸۰۵ هزار میلیارد تومان ناترازی عملیاتی دارد. یعنی اگر دولت سال آینده درآمدی از نفت به دست نیآورد، با یک هزار و ۸۰۵ هزار میلیارد تومان هزینه‌های روبرو می‌شود که منبعی برای تأمین آن وجود ندارد.

اخیراً آمریکا تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع کرده که برخی افراد واسطه فروش نفت و تعدادی از نفتکش‌ها را شامل می‌شود. بعد از اعلام این تحریم‌ها دو سناریو مطرح شد. در سناریوی اول فروش نفت ایران با تحریم‌های سخت‌گیرانه ۹۰ درصد کاهش پیدا می‌کند که در این صورت، جهش‌های قیمت ارز و طلا و تورم برای سال بعد قابل انتظار است. در سناریوی دوم بر وفاداری خریداران فعلی نفت ایران و تجربه‌های موفق ایران در دور زدن تحریم تأکید می‌شود. در صورتی که سناریوی دوم محتمل باشد، خطر کمتری از محل کسری بودجه، بازارها را تهدید می‌کند ولی کماکان دولت با کسری قابل ملاحظه ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو است.

سال ۱۴۰۳ در حوزه اقتصاد سال موفقیتی برای پزشکیان نبود و از نشانه‌هایی که پیداست نیز به نظر می‌رسد تیم اقتصادی دولت چهاردهم باید خود را برای روزهای دشوار آماده کند.